

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۹۸۲۶۰



مؤسسه آموزش عالی باقر العلوم (ع.ا.ف.)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان

## نقدی بر مبانی فمینیسم

استاد راهنما

حجة الاسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا

استاد مشاور

سرکار خانم فریبا علاسوند

۱۳۸۷ / ۳ / ۲۳

نگارنده

نرجس رودگر

۱۳۸۳

مجلس تخصصی کلام اسلامی  
مجلس تخصصی فلسفه اسلامی  
مجلس تخصصی فقه اسلامی

۹۸۴۶۰

کوششی بس حقیر و ناچیز،

تقدیم به

مادر پدرش علیه السلام

به دستان ظریفی که غبار غربت را از پیشانی آسمانی ترین مرد زمین  
می زدود. همان دستان نحیف و ظریفی که در دفاع از حقیقت با تازیانه آشنا شد.

## سپاس و تشکر

بدینوسیله مراتب قدردانی و تشکر خود را از اساتید محترم و بزرگوارانی که مرا در این پژوهش یاری کرده‌اند می‌رسانم.

از استاد بزرگوار و عالیقدر جناب حجة الإسلام والمسلمین دکتر حمید پارسانیا که با قبول زحمت زاهدانه‌ای، وقت ارزشمندشان را صرف این پژوهش نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

و نیز از استاد شایسته و گرانقدرم سرکار خانم عباسوند که راهنمایی‌ها و توصیه‌های ارزشمندشان همواره گره‌گشای مشکلات این راه بوده است صمیمانه قدردانی می‌نمایم.

همچنین از کمک اساتید محترم دفتر مطالعات و تحقیقات زنان و زحمات کادر محترم کتابخانه آن دفتر، ممنون و سپاسگذارم.

از پدر، مادر و همسر بزرگوaram که همواره در مسیر تحصیل مشوق و همراه بوده‌اند صمیمانه تشکر و از پیشگاه خداوند متعال برای این عزیزان طلب رحمت و مغفرت می‌نمایم. والحمدلله كما هو اهله.



# چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه: نقدی بر مبانی فمینیسم

نام و نام خانوادگی دانشجو: نرجس رودگر رشته: فلسفه و کلام اسلامی مقطع: کارشناسی ارشد

استاد راهنما: حجة الاسلام دکتر حمید پارسانیا استاد مشاور: سرکار خانم فریبا علاسوند

تاریخ تصویب: تاریخ دفاع:

طراحی

## چکیده سؤال اصلی این پژوهش عبارت است از: فمینیسم بر چه سبانی نکرده و چگونه استوار است و چه سبانی برای جهانی

فمینیسم، به معنای «آزادی خواهی زنان» جریانی است که در ابتدا به صورت جنبشی اجتماعی در اوایل قرن ۱۹ م ظاهر شد. مروری بر تاریخ وضعیت زنان می دهد. در اغلب دوره های تاریخی خصوصاً در سده های ۱۴ و ۱۵ به بعد زنان از وضعیت نامطلوبی (محرومیت از تعلیم، قانونی بودن کتک زدن زنان، سلب حق مالکیت و...) در رنج بودند. عوامل ظهور فمینیسم علاوه بر فشار فوق العاده بر زنان عبارت است از: زمینه های فکری و فلسفی از جمله لیبرالیسم و مدرنیسم که با طرح شعارهایی چون نوگرایی، انسان محوری، خردگرایی و اصل کرامت انسانی که هر فرد را به لحاظ انسان بودن شایسته حقوقی چون آزادی، برابری و آموزش همگانی می دانست و عمومی بودن این شعارها برای تمام انسانها و از سوی دیگر محرومیت زنان از این حقوق، باعث ایجاد تضاد عینی و ذهنی زنان شد و لذا مقدمتاً اعتراض زنان را فراهم آورد. انقلاب فرانسه و آمریکا و تشکیل دول لیبرال (زمینه های اجتماعی سیاسی) و سرمایه داری و انقلاب صنعتی (زمینه های اقتصادی) نیز هر کدام به نوبه خود فرصت را برای طرح این اعتراضات فراهم کردند.

معمولاً تاریخ فمینیسم را به سه موج تقسیم می کنند: گفتار غالب در موج اول «فمینیسم لیبرال یا برابری» از سویی و «فمینیسم تفاوت» از سوی دیگر است. گفتار غالب موج دوم، «فمینیسم مارکسیستی» و «فمینیسم رادیکال» است که فمینیسم در این زمان بیش از هر زمان وارد عرصه نظریه پردازی می شود و نظریه «نظام پدرسالاری» و «تفکیک جنس و جنسیت» آموزه های اساسی فمینیسم رادیکال را تشکیل می دهد.

موج سوم فمینیسم در حال و هوای جریاناتی چون «پست مدرنیسم» و «پساساختارگرایی» شکل گرفت و فمینیستهای پست مدرن تحت تأثیر آموزه هایی چون نسبیت گرایی، تکثرگرایی و رد بی طرف علم، زن را دارای هویت متکثر و زنانگی را ساختگی و دانشهای زمانه را مردانه و جانبدارانه معرفی نمودند. گرچه نسبیت و تکثرگرایی پست مدرنیسم دامنگیر نهضت فمینیسم شده و توان عملی آن را بسیار محدود می کند اما معرفت شناسی فمینیستی با آموزه هایی از قبیل جانبدارانه بودن معرفت، نقش جنسیت و اجتماع و دیدگاه در معرفت، حاصل پیوند فمینیسم و پست مدرنیسم است. از سویی دیگر، نسبیت گرایی پست مدرنیسم که ریشه در شکاکیت روزافزون مدرنیسم دارد به دلیل وجود اصولی چون «وجود بدیهیات» و «تجرد علم» محکوم می شود و به دنبال آن آموزه های معرفت شناسی فمینیستی را هم زیر سؤال می برد.

در بخش نقد با نگاهی مقایسه ای بین اصول اسلام و فمینیسم ریشه مشکلات فمینیسم، بنیانهای انسان شناختی و معرفت شناختی و برخورداری از جهان بینی متعالی دینی دانسته شده و با طرح نظریات اندیشمندان غرب و شرق، مهم ترین بحث فمینیستی (برابری یا تفاوت) و پیامدهای منفی فمینیسم مورد بررسی قرار می گیرد.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه: طرح تحقیق
۲	۱- بیان مسأله
۴	۲- اهمیت و ضرورت موضوع
۶	۳- اهداف پژوهش
۷	۴- سؤال‌های پژوهش
۷	۵- فرضیه‌های پژوهش
۸	۶- پیش‌فرض‌های پژوهش
۸	۷- سازمان‌دهی پژوهش
۱۰	۸- روش پژوهش
۱۰	۹- سابقه پژوهش
۱۳	۱۰- واژگان کلیدی
۱۴	فصل اول: آشنایی با «فمینیسم»
۱۵	آشنایی با واژه «فمینیسم»
۱۶	تعریف فمینیسم
۱۹	جنبش، نظریه، مکتب و یا فلسفه؟
۱۹	جنبش اجتماعی
۲۱	نظریه اجتماعی

۲۴	۱ - نظریه سیاسی و عمل‌گرا
۲۵	۲ - نظریه‌ای انتقادی
۲۷	مکتب
۲۸	فلسفه
۳۰	فصل دوم: بررسی علل ظهور فمینیسم
۳۱	بخش اول: مروری بر تاریخ وضعیت زنان
۳۲	وضعیت زنان در ماقبل تاریخ:
۳۴	«مادرتباری» بله، «مادرسالاری» خیر!
۳۸	تغییر در وضعیت زنان
۳۹	زن در یونان باستان
۴۰	وضعیت زنان در روم
۴۳	وضعیت زنان در رنسانس
۴۴	زن و توسعه در فرانسه
۴۶	بخش دوم: بررسی علل ظهور و پیدایش فمینیسم
۴۸	الف - زمینه‌های فکری و فلسفی
۴۹	۱ - مدرنیته یا مدرنیسم
۴۹	تعریف مدرنیته
۵۰	نوگرایی و سنت ستیزی
۵۱	انسان محوری
۵۲	خردگرایی
۵۲	آموزش
۵۳	ارمغان مدرنیته برای فمینیسم

۵۴	۲ - لیبرالیسم
۵۵	انسان مداری
۵۶	فردگرایی
۵۶	آزادی
۵۷	خویش مالکی
۵۸	برابری
۵۸	آموزش همگانی
۶۰	تأثیر لیبرالیسم در ظهور فمینیسم
۶۱	فرد یا مرد؟
۶۱	ژان ژاک روسو
۶۴	جان استوارت میل
۶۶	کندرسه
۶۸	ب) زمینه‌های سیاسی و اجتماعی
۷۱	ج) زمینه‌های اقتصادی
۷۱	نقش انقلاب صنعتی و سرمایه‌داری در وضعیت زنان
۷۴	ایدئولوژی خانه نشینی
۷۸	فصل سوم: امواج و گرایش‌ها
۷۹	مقدمه:
۸۱	موج اول
۸۱	الف) فمینیسم لیبرال یا برابری
۸۵	ب) فمینیسم تفاوت
۸۹	افول موج اول



۹۰	..... موج دوم
۹۲	..... فمینیسم مارکسیستی
۹۶	..... فمینیسم رادیکال
۹۸	..... ۱- پدر سالاری
۱۰۴	..... راه حل‌های فمینیسم رادیکال
۱۰۷	..... ۲- تفکیک جنس و جنسیت
۱۱۵	..... زمینه‌های گفتاری موج سوم:
۱۱۶	..... ۱- پست مدرنیسم یا پساتجددگرایی
۱۱۸	..... ۲- ساختارگرایی
۱۲۰	..... ژاک لاکان
۱۲۳	..... تعامل ساختارگرایی و فمینیسم
۱۲۴	..... ۳- پسا ساختارگرایی
۱۲۵	..... ژاک دریدا
۱۲۶	..... میشل فوکو
۱۲۹	..... موج سوم
۱۳۰	..... هویت‌های متکثر
۱۳۳	..... مشکلات فمینیسم پست مدرن
۱۳۹	..... معرفت و جنسیت
۱۴۱	..... الف) سرشت مردانه علم در غرب
۱۴۲	..... یونان قدیم
۱۴۳	..... افلاطون
۱۴۳	..... فرانسیس بیکن
۱۴۴	..... فیلون

۱۴۵	آگوستین
۱۴۵	آکوئیناس
۱۴۶	دکارت
۱۴۹	ژان ژاک روسو
۱۵۰	کانت
۱۵۰	نتیجه گیری
۱۵۱	لوس ایریگاری
۱۵۲	لودوف
۱۵۳	ب) معرفت شناسی فمینیستی
۱۵۴	۱- معرفت چه کسی؟
۱۵۵	۲- نقش جنسیت در معرفت
۱۵۶	۳- نقش اجتماع در معرفت
۱۵۸	۴- نظریه دیدگاه
۱۶۲	۵- علم جایگزین و مشکلات آن
۱۶۷	نقدی بر مبانی فمینیسم پست مدرن:
۱۷۱	نسبیت گرایی، تیغ دو لبه
۱۷۳	نقد شکاکیت:
۱۷۳	الف - همه علوم نسبی نیستند
۱۷۴	۱- اصل واقعیت
۱۷۵	۲- شناخت واقع، ممکن است
۱۷۶	ب - ریشه نسبیت گرایی، ماده گرایی است
۱۷۹	نتیجه گیری

ب - ریشه نسبیت گرایی، ماده گرایی است.....	۱۷۷
نتیجه گیری.....	۱۷۹
<b>فصل چهارم: نقد فمینیسم</b> .....	۱۸۱
مقدمه.....	۱۸۲
در جستجوی نکات مثبت برای فمینیسم.....	۱۸۳
ظهور دیر هنگام فمینیسم و نگاه حاشیه‌ای دنیای غرب به مسأله زنان.....	۱۸۵
انقلاب فرهنگی اسلام در مسائل زنان.....	۱۸۸
۱ - ارمغان انسانیت.....	۱۸۸
الف) تساوی در اصل انسانیت.....	۱۸۸
ب) تساوی در لوازم و کمالات انسانی.....	۱۸۹
۲ - ارمغان استقلال.....	۱۹۱
الف) استقلال در انتخاب دین و اعتقادات.....	۱۹۱
ب) استقلال اجتماعی و سیاسی.....	۱۹۲
ج) استقلال اقتصادی.....	۱۹۴
اهمیت ویژه اسلام به مسأله زنان.....	۱۹۴
مشکلات فمینیسم.....	۱۹۹
ضعف پشتوانه فکری.....	۱۹۹
نابرخورداری از جهان بینی برتر.....	۲۰۱
نقدی بر مهم‌ترین بحث فمینیستی.....	۲۰۳
برابری یا تفاوت.....	۲۰۴
۱ - شواهد زیست‌شناختی.....	۲۰۵
الف) تفاوت ژنتیکی.....	۲۰۵

۲۱۱	تأثیر هورمون‌ها در تفاوت‌های دو جنس
۲۱۲	۲- سشواهد روانشناختی و جامعه‌شناختی
۲۱۳	تأثیر متقابل هورمون‌ها و جامعه
۲۱۴	تشخیص تفاوت‌های حقیقی
۲۱۶	تفکیک جنس و جنسیت
۲۱۶	۱- نفی هرگونه تفاوت دلیلی ندارد
۲۱۷	۲- نفی هرگونه زنانگی به نفی زن می‌انجامد
۲۱۸	ریشه‌یابی دغدغه فمینیستها در نفی هرگونه تفاوت
۲۱۸	۱- دیدگاه ماده محور
۲۲۰	۲- تحقیر زنانگی
۲۲۲	مروری بر اصول اسلامی در مسائل دو جنس
۲۲۲	۱- حکمت تفاوت‌ها در نظام خلقت: تناسب نه نقص و کمال
۲۲۶	۲- تطابق میان تکوین و تشریح
۲۳۰	۳- نقش نظام ارزشی در نگاه به تفاوت‌ها
۲۳۲	۴- پرهیز از حق‌طلبی منهای مسئولیت‌پذیری و اخلاق
۲۳۳	الف) توازن حق و تکلیف
۲۳۳	ب) تعامل حقوق و اخلاق
۲۳۵	پیامدهای فمینیسم
۲۳۵	۱- اصالت مرد
۲۳۸	۲- آزادی مردان
۲۴۲	نتیجه‌گیری

فهرست مطالب ..... (سیزده)

---

۲۴۸	فهرست منابع
۲۴۹	الف) منابع فارسی
۲۵۶	ب) منابع عربی
۲۵۷	ج) نشریات

مقدمه:

# طرح تحقيق

## ۱- بیان مسأله

امروزه فمینیسم به عنوان جنبشی اجتماعی با حضور گسترده در سطح سیاست دولت‌ها و کشورها در پیشبرد منویات خود صاحب قدرت بوده و قوانین روز مغرب زمین و حتی بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

به عنوان یک نظریه نیز با نفوذ در سطح دانشگاه‌ها و مجامع علمی و ارائه انبوهی از مقالات، نشریات و کتب و حتی تشکیل رشته‌های علمی مربوط به مسائل زنان به فعالیت‌های گسترده علمی دست زده است. به طوری که در اکثر تألیفات جامعه‌شناختی روز حداقل فصلی به نظریه فمینیستی اختصاص می‌یابد.

اگر چه نظریه اجتماعی فمینیسم زیر مجموعه علوم اجتماعی قلمداد می‌شود اما به دلیل خصوصیت عمل‌گرایی و پیامدگرایی‌اش، جنبه سیاسی نیز پیدا می‌کند و گاه از آن به عنوان «نظریه‌ای سیاسی» یاد می‌شود.

گذشته از آن، ظهور و پیدایش و سپس رشد و گسترش فمینیسم در مغرب زمین به جنبه دیگری از ماهیت فمینیسم شکل می‌دهد و آن، پیوند عمیق فمینیسم با فلسفه و فرهنگ غرب و تأثیرپذیری شدید فمینیسم از جریانات فکری و فلسفی پیرامون خویش است. به طوری که می‌توان گفت اگر جریاناتی از قبیل رنسانس، مدرنیسم و یا لیبرالیسم در غرب پدیدار نمی‌شدند به هیچ وجه فمینیسم با ماهیتی که از آن سراغ داریم ظهور نمی‌کرد. و یا اگر فمینیستها از مکتب مارکسیسم وام نمی‌گرفتند، گرایشی چون «فمینیسم مارکسیستی» و احیاناً «فمینیسم رادیکال» به

عرصه نمی آمد و اگر مدرنیسم جای خود را به پست مدرنیسم نمی داد بسیار بعید بود که «فمینیسم پست مدرن» به شکلی که امروزه وجود دارد گسترش پیدا کند.

بر همین اساس فمینیسم را می توان از مناظر متفاوتی مورد مطالعه و بررسی قرار داد:

۱- از نظر علوم اجتماعی به عنوان یک جنبش و نظریه اجتماعی

۲- از منظر علوم سیاسی به عنوان جنبش و نظریه ای عمل گرا که معطوف به سیاست

است.

۳- از منظر فلسفه و مبانی معرفتی که فمینیسم در آن ریشه کرده و خمیرمایه تفکراتش را از

آن بستر معرفتی اخذ کرده است.

بدیهی است گرچه در مطالعه و بررسی فمینیسم می توان به صورت ویژه یکی از این

رویکردها را در نظر گرفت اما برای شناخت کامل از همه ابعاد جریان فمینیستی نمی توان صرفاً به

یکی از این رویکردها اکتفا کرد.

مطالعه نشان می دهد اکثر بررسی ها، تحلیل ها و نقدهایی که در مورد فمینیسم صورت

گرفته است بیشتر از منظر جامعه شناسی و علوم سیاسی بوده است لذا ابعاد فلسفی و معرفتی

قضیه معمولاً مورد غفلت واقع شده است.

در این پژوهش ضمن اثبات این فرضیه که فمینیسم را نمی توان از فرهنگ و فلسفه غرب

جدا کرد سعی شده است در مطالعه و بررسی فمینیسم، علاوه بر ابعاد جامعه شناختی، به ابعاد

فلسفی و معرفتی آن نیز بیشتر توجه شود.

در نگاهی کلی، مبانی فکری فمینیسم را می توان نظریات پایه ای دانست که فکر فمینیستی

بر اساس آن شکل گرفته است. در این زمینه می توان از «لیبرالیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم

لیبرال» و از «مارکسیسم» و «سوسیالیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم مارکسیستی» و «فمینیسم

سوسیالیستی» و از «پست مدرنیسم» به عنوان مبنای «فمینیسم پست مدرن» یاد کرد.

با توجه به کلی بودن این مباحث و نظریات در جایگاه های مختلف به فراخور فصول و

بخشها به این مباحث که آنها را مبانی تفکر فمینیستی می دانیم اشاره می کنیم.



اما در نگاهی جزئی گرایانه و موشکافانه می‌توان عمده‌ترین مبحث هر دوره از ادوار فمینیسم و یا هرگرایش از گرایش‌های عمده فمینیستی را مبنای فکری آن دوره یا گرایش به حساب آورد.

منظور از عمده‌ترین بحث، سرفصل و نکته کلیدی‌ای است که به گونه‌ای برجسته، هر گرایش را از دیگر شاخه‌ها متمایز می‌سازد و بیت‌الغزل آن محسوب می‌شود و به طور کلی مبنا و پایه نظری آن گرایش را تشکیل می‌دهد.

در این راستا بحث «برابری یا تفاوت» به عنوان مبنای فکری «فمینیسم لیبرال»، بحث «پدرسالاری» و «تفکیک جنس و جنسیت» به عنوان پایه «فمینیسم رادیکال» و بحث «تزلزل هویت‌های متکثر» و «معرفت و جنسیت» و بحث «معرفت‌شناسی فمینیستی»، اساس و پایه فمینیسم پست مدرن تلقی می‌شود.

در یک تقسیم‌بندی و نامگذاری برای تمایز و وضوح بیشتر می‌توان از مبانی دسته اول (لیبرالیسم، مارکسیسم، پست مدرنیسم) با عنوان «مبانی بیرونی» و از مبانی دسته دوم (برابری یا تفاوت، جنس و جنسیت، پدرسالاری، معرفت و جنسیت) با عنوان «مبانی درونی» یاد کرد در نتیجه این پژوهش به شناخت، بررسی و تحلیل مبانی درونی و بیرونی فمینیسم می‌پردازد.

## ۲- اهمیت و ضرورت موضوع

ضرورت بررسی فمینیسم به اهمیت مسأله زنان بر می‌گردد و در سه مقدمه زیر خلاصه می‌شود:

۱- زنان حدوداً نیمی از بشریت را تشکیل می‌دهند.

۲- این گروه در طول تاریخ مورد انواع ظلم‌ها، بی‌عدالتی‌ها و تحقیرها بودند.

۳- فمینیسم مدعی احقاق حقوق از دست رفته این گروه است.

ویلدورانت راجع به اهمیت ظهور فمینیسم گفته است:

«اگر فرض کنیم در سال ۲۰۰۰ مسیحی هستیم و بخواهیم بدانیم که

بزرگترین حادثه ربع اول قرن بیستم چه بوده است متوجه خواهیم شد که این حادثه جنگ، یا انقلاب روسیه نبوده است بلکه همانا دگرگونی وضع زنان بوده است. تاریخ چنین تغییر تکان دهنده‌ای در مدتی به این کوتاهی کمتر دیده است خانه مقدس که پایه نظم اجتماعی ما بود، شیوه زناشویی که مانع شهوترانی و ناپایداری وضع انسان بود، قوانین اخلاقی پیچیده‌ای که ما را از توحش به تمدن و آداب معاشرت رسانده بود، همه آشکارا در این انتقال پراشویی که همه رسوم و اشکال زندگی و تفکر ما را فرا گرفته است گرفتار گشته‌اند.»<sup>(۱)</sup>

حقیقت این است که گرچه فمینیسم برخاسته از اقلیتی از زنان تحصیلکرده قشر متوسط اروپا و آمریکا است اما ادعای نمایندگی تمام زنان عالم دارد و اکنون در سطح جوامع و بین‌الملل مطرح‌ترین مدعی دفاع از حقوق زنان است. امروزه فمینیستها هستند که برای بهبود وضعیت زنان نظریه پردازی می‌کنند و با ارائه اصول و قوانین، دولت‌ها را در پذیرش و اجرای آنها تحت فشار قرار می‌دهند.

اما با توجه به اهمیت مسائل زنان که نیمی از پیکره اجتماع هستند که نیم دیگر را نیز در دامن خود پرورش می‌دهند، به راستی فمینیسم می‌خواهد و به دنبال آن انسان و بشریت را به کجا ببرد؟ آیا فمینیسم صلاحیت این امر خطیر که به سرنوشت بشریت بر می‌گردد را داراست؟ اندیشمند بزرگ آیت‌الله خامنه‌ای - مدظله العالی - فرموده‌اند:

«هنوز بشر نتوانسته است مسأله زن و به تبع این مسأله مسأله انسانیت را حل کند. به عبارت دیگر زیاده‌روی‌ها و کج‌روی‌ها و بدفهمی‌ها و به تبع اینها تعدی‌ها، ظلم‌ها، نارسایی‌های روانی، مشکلات مربوط به خانواده و مشکلات مربوط به نحوه اختلاط و امتزاج در ارتباطات هنوز جزو مسائل

### حل نشده بشریت است.» (۱)

همه این مسائل نشان دهنده اهمیت پرداختن به مسأله زنان و ضرورت بررسی فمینیسم به عنوان داعیه دار دفاع از زنان عالم است چرا که به فرموده شهید عالقدیر استاد مطهری تقلید و تبعیت کورکورانه از روش مردم غرب که هزاران بدبختی را برای خود آنها به وجود آورده است بدبختی های نوع غربی را به بدبختی های نوع شرقی زن می افزاید. (۲)

گذشته از ضرورت و اهمیت بررسی و ارزیابی فمینیسم، اتخاذ رویکرد فلسفی و پرداختن به مبانی معرفتی در این تحلیل و بررسی، از این جهت حائز اهمیت است که شناخت عمیق از شعارها، آرمانها و اصول فمینیستی بدون آگاهی از مبانی فکری و معرفتی و فلسفه ای که این شعارها از آن برخاسته است میسر نیست. بدون در نظر گرفتن ریشه و خاستگاه فکری فمینیسم، در شناخت فمینیسم دچار قشری گری و سطحی نگری می شویم.

همچنین غفلت از این مبانی معرفتی و فرهنگی باعث بروز مغالطه و اشتباهاتی شده است که با برجسته نمودن این بعد از ماهیت فمینیسم می توان بروز این اشکالات را از ریشه خشکاند.

### ۳- اهداف پژوهش

- ۱- آشنایی با فمینیسم و گرایشات فمینیستی
- ۲- بررسی علل ظهور فمینیسم
- ۳- آگاهی از مبانی فلسفی و معرفتی گرایشات مختلف فمینیستی
- ۴- نشان دادن ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی فمینیسم با فلسفه و فرهنگ غرب
- ۵- نقد مهم ترین بحث فمینیستی و بیان نظریه صحیح

---

۱. امیر حسین بانکی پور فرد، آینه زن مجموعه موضوعی سخنان مقام معظم رهبری، قم: طه، ص ۳۱۷.  
۲. ر.ک مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۲۴ و ۱۲۳.

#### ۴- سؤال‌های پژوهش

اصلی‌ترین سؤال این پژوهش این است که فمینیسم بر چه مبانی فکری و نظری‌ای استوار است و چه نقدی بر این مبانی وارد است؟ به سایر سؤال‌های زیر نیز ضمن بحث پرداخته می‌شود:

- ۱- فمینیسم چیست؟
- ۲- فمینیسم چه رابطه‌ای با فرهنگ غرب دارد؟
- ۳- علل ظهور فمینیسم در غرب کدامند؟
- ۴- فمینیسم در طول تاریخ خود چه تحولاتی را از سرگذرانده و به چه گرایشاتی تقسیم شده است؟
- ۵- تأثیر لیبرالیسم، سوسیالیسم، مارکسیسم و پست مدرنیسم بر فمینیسم چه بوده است؟
- ۶- مهم‌ترین بحث هر کدام از گرایش‌های فمینیستی چیست؟
- ۷- آیا زن و مرد موجوداتی مساوی‌اند یا متفاوت؟
- ۸- آیا زنانگی و جنسیت طبیعی است یا ساختگی؟
- ۹- چرا فمینیسم دچار سردرگمی، اختلاف نظر و انحراف شده است و به بیانی ریشه مشکلات فمینیسم در کجاست؟
- ۱۰- نظریه صحیح کدام است؟

#### ۵- فرضیه‌های پژوهش

- ۱۷- نظریه فمینیسم، ریشه در فلسفه و فرهنگ غرب دارد و نمی‌توان آن را جدا کرد.
- ۲- تحولات فکری و اجتماعی پس از رنسانس به علاوه ظلم تاریخی بر زن غربی باعث ظهور فمینیسم شد.
- ۳- فمینیسم در طول تاریخ خود تحت تأثیر مکاتب نوظهور فلسفی، سیاسی و... به گرایش‌هایی چون فمینیسم لیبرال، فمینیسم مارکسیستی، فمینیسم سوسیالیستی و فمینیسم پست